افغانستان بعد از اسلام

افغانستان در طی بیست سال ٦٤٢ - ٦٦٢ م با در گیری‌ها در مقابل فتوحات اسلامی بالاخره تحت نفوذ کامل دین مقدس اسلام قرار گرفت واقعاً شعار یکتا پرستی برادری وبرابری اسلام مردمان محروم و پائین جامعهٔ افغا نستان رابخود جلب کرده بود و قتیکه اسلام نفوذ خویش را در افغا نستان استحکام بخشید و ملت ما پیرودین مبین اسلام گردیدند داد و ستد های مهمی بین مردم ما و عربهای مسلمان واقع شد اسلام به مردم ما یکتا پرستی , برادری برابری جهاد و اسا سات جاوید و عالی اسلام را به ارمغان آورد در مقابل مردم افغانستان در پخش وگسترش اسلام به شبه قاره هند و پاکستان و ماوره‌النهر و چین و مناطق دور پیش خود خدما ت فراموش ناشدنی کرد ند و تجربیات و دانش و داشتنی های ملی خود راکه مفید بود بعربهای مسلمان انتقال دادند آنچه که مردم افغانستان در شرح و بسط فرهنگ اسلامی فعالیت نموده اند امری است بس عظیم و بزرگ جوهر شجاعت مردانگی و عزت و سربلندی خرا،انیهاهیچگاه بکلی خاموش نگشت در دورهٔ خلفای امو ی مردمان شجاع و بزرگی از افغانستان تبارز نمودند و در سقوط خاندان

اموی و به میان آوردن خلفای عباسی نقش اساس را باز کرد ند که در رأس آن‌ها ابو مسلم خراسانی قرار داشت .

ابومسلم عبدالرحمن خراسانی در سال ۷۲۰م دوقریه سفید نج (سپید: ژ) از مضافات سرپل بلخ چشم بجهان کشود و در ۱۹ ساله‌گی قدم بمیدان سیاست گذاشت بعداز میان‌برداشتن والی‌های اموی در افغانستان وایران ومناطق همجوار در ۷۵۰م داخل کوفه شدو عبدالله سفاح عباسی رابه خلافت نصب نمود وبه این ترتیب خلافت اموی خاتمه‌یافت ودورهٔ عباسی شروع گردیدابومسلم خراسانی از دست خلیفهٔ دوم عباسی بنام منصوردر سال ۷۵٤م باحیله وفریب به‌قتل‌رسید وخدمات شایان او به عباسی‌هاسبب نجات‌وی نگشت شجات ودرایت موصوف منصوررا وادار بااین عمل ناجوان مردانه کرد ازینکه خراسانی‌ها و دررأس ابومسلم خراسانی نقش عمده‌رادرتحویل سلطه ازاموی به‌عباسی بازی کردند در دوروپیش وحواشی خلافت عباسی مردمان‌بزرگ ازخراسانی‌ها بمیان آمدندووظائف عمده رابدست آوردند مانند خالدبن برمک بلخی وزیر سفاح یحی برمکی وزیر مقدرترین خلیفهٔ عباسی هارون الرشید وطاهر ذوالیمنین که‌ازاهالی‌هرات(زنده‌جان) بودروزی‌بقوماندانی عمومی‌سپاه مأمون‌خلیفهٔ عباسی رسید وبالاخردولت طاهری رابمیان‌آورددرقلمرو دولت‌طاهری افغانستان ماورانهروا کثرحصص‌ایران کنونی شامل‌بود.

خراسانی‌ها نه‌تنها درمرکزخلافت‌عباسی وظائف‌عمده‌داشتند بلکه

تعدادزیادآنها در مصر و افریقای شمالی بصفت والی‌ها و فرمانده هان مقرر گشتند بعد از طاهریان که از (۸۲۱ - ۸۷۲ -م) حکومت شان دوام کرد قدرت بدست صفاریان رسید اینها از (۸۷۲-۹۱۰ -م) حکومت افغانستان را بدست گرفتند و یعقوب صفاری مذاهب غیر اسلامی را در قلمرو وسیع خود طرد و زبان دری را زبان رسمی دولت قرار داد و نام وی در پهلوی نام خلیفه عباسی در خطبه ها در مرکز خلافت اسلامی گرفته میشد به تعقیب صفاریان دولت سامانی که از اهل بلخ بودند از (۸۹۲ - ۹۹۹-م) ادامه یافت اما قویترین امپراتوری دورهٔ اسلامی افغانستان عهد زمامداری غزنوی ها و مخصوصاً محمود غزنوی است او به اسلام خدمات فراموش ناشدنی کرد و اسلام را دردول مجاور افغانستان گسترش داد و ادبیات دری در عصرآن پیشرفت عالی داشت در دربار این شاه هنر دوست چندین صد شاعر توانا حضور داشتند. باالاخر سلطنه غزنوی که از ۹۶۲ -م آغاز شده بود در ۱۱۴۸ -م خاتمه یافت دوره های سلاجقه غوری وخوارزمشاهیان بمیان آمدباالاخر عملات چنگیز خان در ۱۲۲۱ -م بالای افغانستان آغاز گشت دفاع مردم افغانستان درین تهاجمات بینظیر بود عدهٔ انگشت شماری درافغانستان تسلیم چنگیز و تکبرآن شدند که باز هم شهروندان آنها جان بسلامت نبردند ولی اکثر شهر ها و عموم ملت افغانستان دفاع تلخ

از دین و میهن و عزت و شرف خود نمودند مبارزه مردم تالقان و دفاع عیاران سربکف آن که تعداد شان به ... نفر میرسید و دل از زندگی بر داشته بودند.

ومقاومت بامیان وگرزوان وپروان همیشه قابل تحسین والهام بخشای قربانی در راه دین ووطن میباشد چنگیز درمسیر جهان کشائی خود بدفاع ومقاومت بسیار ملت ها واقوام تا بغداد وسند وما و راولنهر مواجه گردید اما شکست چنگیز خان وفرار عساکر آن در پروان شمال کابل از طرف سلطان جلال الدین فرزند محمد خوارزم شاه بوددر پروان هفتادهزار نفر زیرلوای جلال الدین گردآمدند ودر صحرای پروان جنگ میان مهاجمین وپروا نیان در گرفت ومدت دوروزجنگ خونین شعله ور بود که در نتیجه چنگیز شکست خوردورو بفرار نهاد وبزرگترین شهر های تاریخی افغانستان ومخصوصاً بلخ وهرات در قساوت وآتش چنگیز به توده های خاک مبدل گشتند وبه این ترتیب یک مدنیت دیرینه ودرخشان این خطه باستان ازمیان رفت.

بعد از واقعه وخون آشامی چنگیز دولت های دیگری درافغانستان به میان آمدند که ما از توضیحات این دوره ها صرف نظر میکنیم آنچه قابل تذکر است دولت احمد شاه ابدالی درافغانستان میباشد که وی در ۱۷۲۲م در هرات تولد شد ودر سال ۱۷۶۱ شهر قندهار را پایتخت خود قرار داد واساس دولت مقتدری را بنیان گذاری کرد

ومرد شجاع ومتواضع وباتقوی بود واورا مردم پدر میخواندند بعد از مروز زمانی در قرن ۱۸ تجاوز انگلیس با لای خاک ما شر و ع گردید که پیکار های مستدا م ملت افغا ن در قبا ل سلطه ئی انگلیس سند تاریخی دیگر بر آزادی خواهی افغا نها ست انگلیس مزدورخود شاه شجاع را ۱۸۳۹م درپیشاپیش قشون خویش اعزام ووی را بقدرت رساند وقبل از ین انگلیس ها مدا خلات بیشرما نه را در امور داخلی ما از اواخر قرن ۱۸ آغاز نموده بودند وباعث نفاق های داخلی میگشتند مردم افغانستان در حدود یک قرن تقریباً ۹ جنگ خورد و بز رگ را علیه انگلیسها انجام دادند وهمه مردم افغانستان در دفاع از وطن برعلیه انگلیس سهیم بودند یکی ازقیام ها وجنگ های ملی افغانستان علیه انگلیس جنگ تاریخی میوند درجولای ۱۸۸۰ است که (۱۲۰۰۰) مردم آزادی خواه هرا ت سردار محمد ایوب خان را مجبور کر دند تا جهاد اسلامی وملی راعلیه ارتش انگلیس آغاز کند بناء ا ین ۱۲ هزار رزم آور هراتی به سر کردگی سردار ایوب خان از هرات عازم قندهار شد ند ودر طول راه از حمایت و همراهی مردم برخوردار وبالاخره درمیدان میوند میان سپاه آزادی خواه ملی افغان وسپاه متجاوز انگلیس جنگ درگرفت ودرنتیجه از ۱۲ هزار عسکر متجاوز انگلیس فقط ۲ نفر جان بسلامت بر دند.

درجنگ استقلال در ۱۹۱۹ که افغانستان استقلال خو یش را بدست آورد همه مردم افغانستان درین قیام وجهاد آزادی خوا هی اشترا ک

داشتندعسا کرمنظم دولت که شامل همه قومیت های خورد وبزرگ بودند محور اساس قوه حربی راتشکیل میداد ندوبعضی قبایل کـه در عسکری منظم دولت های افغانستان بصفت سرباز عادی جلب نمیگردیدند در استرداد استقلال افغانستان با عسا کر دولتی مشترکا فعالیت وجانبازی کردند وقبائل سرحدی از جنگاوران دلیر منظم دولتی استقبال فوق العاده بجاآورده مسولیت اسلامی وتاریخی خویش را بوجه نیکو اداساختند

افغانستان بعد از ۲۵ جولای ۱۹۱۹ بصفت یک کشور مستقل درسیاست داخلی وخارجی خویش ظاهرشد ودر ۱۹ نومبر (۱۹٤٦) به عضویت ملل متحدپیوست و یکی از اعضای برجستهٔ کشور های نهضت عدم انسلاک وکنفرانس کشورهای اسلامی گردید و در روز ۷ ثور ۱۳۵۷ بعد از بقدرت رسانیدن حزب کمونیست افغانستان توسط روسیه استقلال افغانستان خدشه دار گردید و با اشغال صریح افغانستان در ٦ جدی ۱۳۵۸ توسط روسیه که خلاف همه معیارهای قبول شده بین المللی و اخلاق انسانی صورت گرفت استقلال افغانستان ازمیان رفت تا اینکه بار دیگر بعد از خروج قوای روس ملت مسلمان افغانستان دولت اسلامی وملی خویش را به یاری خداوند(ج) تشکیل دهند.

رجال بزرگ علمی و نوابغ افغانستان

لازم است تا دربیان تاریخ دورهٔ اسلامی افغانستان ازبعض امامان و نوابغ آن یادآوری کنیم واقعاً سهم مردم ما در مجموع مدنیت بشری و مخصوصاً در مدنیت اسلامی که بخش عظیم از مدنیت اصیل بشری را تشکیل میدهد بی اندازه بزرگ و عالی است گرچه ساکنین افغانستان قبل از اسلام دارای مدنیت وامپراتوری های بزرگ بوده اند اما وقتیکه مردم ما بدین مقدس اسلام مشرف شدند استعداد واقعی وذاتی ملت ما در روشنائی اسلام بیشتر تبارز نمود ومردم افغانستان نه تنها توسط جهاد وشمشیر خویش به اسلام خدمت نمودند بلکه قلم آنها سهم بزرگتری در توسیع ونشر اسلام بجای گذاشته است .

اگر تمام اسمای بزرگان را ذکر کنیم که از افغانستان در ساحهٔ معارف اسلامی و علوم طبیعی و اجتماعی تألیفاتی داوند از حدود چندین جلد کتاب میگذرد. (۱)

ما بعضی رجال بزرگ امامان و فیلسوفان و نوابغی را که از افغانستان ظهور کرده اند بطورمثال ذکر میکنیم .

۱ - دانشمندی بزرگوار مرحوم استاد خلیلی تنها رجال بسیار مشهور هرات را در یک مجلد کامل از تألیف سه جلدی خود بنام هرات تاریخها و رجالها و آثارها ذکر کرده اند در ۱۳۵۴ رساله ماستری در دانشگاه بغداد فقط در باره عدد معین از فقها ی بلخ مناقشه گردید و صاحب رساله بدرجه عالی ماستری نائل آمد .

۱ - امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت بن زوطی یا ثابت ابن المرزبان متوفای سال (۱۵۰) ه از افغانستان میباشند امام ابوحنیفه بزرگترین مجتهد اسلام و از همه مذاهب اسلامی پیروان بیشتر دارد و اکثریت مطلق دساتیر و قوانین مدنی کشور های اسلامی از مذهب حنیفی اقتباس شده است و از شصت تا هشتاد هزار مسئله فقهی را بیان و اجتهاد نمود .

۲ - امام فخرالدین محمد بن عمرالحسین رازی متولد ۵٤۳ ه فقیه عالیقدر و فیلسوف و متکلم و مفسر بزرگ و خطیب بی مثیل تصنیفات زیادی درفارسی وعربی دارد ومشهور ترین کتاب آن تفسیر مفاتیح الغیب مشهوربه تفسیر کبیردرچندین جلدبزرگ است موصوف در ٦۰٦ ه در هرات وفات نمود

۳- مولوی :- مولانا جلال الدین محمدبن بهاالدین ولدبلخی ٦٧٢ ه شاعر ونویسنده وصوفی و متفکر وفیلسوف بزرگ اسلام و صاحب تصنیفات ودواوین بزرگ اشعار است همه اجداد مولانا دربلخ زندگی کرد ه اندووفات مولانا درقونیه ترکیه اتفاق افتاد تحقیقات زیادی به زبانها مختلف درباره شخصیت وآثار مولانا صورت گرفته ومیگیرد وفیلسوف بزرگ شرق اقبال اورا مرادورهبر روحانی وعقده کشای فکری وخضر طریق خود میداند.

٤ - ابومعشر جعفر بن محمد بلخی ۷۸۸-۸۸٦ م (۲۷۲ ﻫ) منجم و دانشمند مشهور فلکیات اندیشه های موصوف تاثیر مهمی در مطالعات فلکی اندلس بجای گذاشت او اولین کسی است که پدیدهٔ جزر ومدبحر را به حرکت قمر ربط داد و مخطوطات این نابغه در برلین وبن فلورانس وقاهره موجود میباشد.

٥ - ابو ریحان بیرونی غزنوی ازشخصیت های طراز اول فرهنگ ومعارف دورهٔ اسلامی است که بعضی مستشرقین اورادر تمام جهان اسلام دانشمند بی نظیر دانندوتخصص در ریاضیات نجوم تاریخ هیئت دار و شناسی بررسی عقاید وادیان اقوام وملل وامثال آنهابود ودر ۳٦۲ ﻫ متولد ودر ٤٤۲ درگذشت .

٦ - ابو علی حسین ابن عبدالله ابن سینای بلخی معروف به شیخ الرئیس (۹۸۰- ۱۰۳۷م) دانشمند بی مثال وفیلسوف بلندپایه میباشد بو علی نبوغ خودرا از بلخ دریافت کرد و در بلخ بیشتر تحصیلات خویش را انجام داد وهویدا میگردد که بلخ نیز مانند بغداد وقت مهد تمدن اسلامی ودارای کتابخانه ها ومدارس بوده است که چنین نابغه ئی را باابن پایهٔ بزرگواری پرورانید و نظریات طبی ابن سینا تا مدتها نزدیک متون درسی دانشکده های پزشکی غرب به حساب میرفت.

۷ - گردیزی :- ابوسعید عبدالحی ابن ضحاک ابن محمود گردیزی غزنوی نویسنده و مورخ بزرگ عهد غزنوی و صاحب تاریخ مشهور زین‌الاخبار است که بزبان فارسی تحریر یافته از خلقت آدم تا پایان دوره مودود بن مسعود غزنوی را در بر میگیرد .

۸ - ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی صاحب کتاب مشهور کشف المحجوب متوفی سال ٤٦٥ ه او در غزنه تولد تربیه و بزرگ شد و در لاهور پنجاب زندگی و مدفون گردید فیلسوف بزرگ اسلام دکتور اقبال هجویری را مخدوم امم زنده کننده پنجاب و پاسبان قرآن می خواند .

۹ - سید جمالدین افغانی (۱۲۱۷ - ۱۲۷۵) ه-ش از سادات کنر افغانستان بود موصوف تحصیلات ابتدائی را بفارسی وعربی در وطن اصلی خویش انجام داد و داخل سیاست گردید و به مقام های بزرگ دولتی وقت نائل آمد .

وزبان فرانسوی رادر مدت سه‌ماه آموخت سیدجمال الدین علاوه برنبوغ و فعالیت‌های فرهنگی‌وعلمی سیاست مدار ومجاهدبزرگ وبیدار کنندهٔشرق درمقابل استعماراست فعالیت‌های فرهنگی‌وسیاسی‌سید یکی ازعوامل مهم‌آزادی کشورهای اسلامی‌درشرق گردید .

این بودنمونه‌ازیادنامه‌های‌رجال‌نام آورافغانستان که‌از کنارتا کنار جهان‌شهرت دارند وخدمات شان‌در مجموع مدنیت بشری ومخصوصاً اسلامی‌بس عمده‌وعالی وارجمنداست.

معلومات عمومی راجع به افغانستان

افغانستان که در سابق به نام های آریانا و خراسان مسمی بود و بعداً اسم افغانستان را اختیار کرد یکی از مناطق متمدن دوره های باستان جهان بحساب می آید و نقش مردم آن در تکامل وانکشاف مدنیت بشری ومخصوصاً سهم شان در حضارت اسلامی بس عمده وعالی میباشد وکشور ما علماو دانشمندان پیش آهنگ ونام آوری زیادی را به جامعهٔ بشری تقدیم نموده است.

افغانستان که در دورهٔ های امپراتوری‌های بزرگ آن قبل وبعد از اسلام ساير کشور های همجوار فعلی را شامل بود بعداز تجزیه ها اکنون کشوری‌است کوهستانی ومحاط به خشکه به مساحه ۶۵۲،۲۲۵ (۱) کیلو متر مربع که بین پاکستان و ایران وچین و تاجکستان واوزبکستان وترکمنستان موقعیت دارد طول سرحد ما

۱- بعضی منابع دیگر مساحه افغانستان را کمتر ازاین ذکر کرده اند تاریخ غبار صفحه ۸ مطالعه شود.

معلوماتی راجع به روسیه

روسها از نژاد اسلا و مربوط گروپ اند و اروپائی بوده و دارای مدنیت کهن نیستند دین مسیح و خواندن و نوشتن برای اولین بار در قرن دهم در سال (۹۸۰) م به ملت روس انتقال یافت و روسها بسیار وقت تحت نفوذ و سلطه اجانب (مغولها) بودند و اساس روسیه را ایوان مخوف در (۱۵۳۲ - ۱۵۸٤) بنا نهاد یکی از نویسنده گان مینگارد - (برادر بزرگتر (روسیه) با قدم‌های محکم و آهسته در طول تاریخ گام برمیدارد ودر رهگذرخود برادرهای کوچتر همسایه را زیر گام های سنگین خویش نوازش میدهد این مارش تاریخی دو مرحله دار مرحله اول از ایوان مخوف (۱۵۳۲ - ۱۵۸٤) شروع و به نیکلای دوم‌درسال ۱۹۱۷ ختم میشود و مرحله دوم از لینن آغاز گشت که هنوز ادامه دارد(۱) جانشینان ایوان‌مخوف کشور کشائی خود راجانب‌شرق امتداد دادند پطر کبیر ۱۶۷۹ - ۱۷۲۵ جانب لتونی لتوانی فنلاند و اوکراین یعنی غرب به پیشرفت اما پطر میل سر زمین های ترکمنستان از بکستان تا جکستان قرغیزستان و حصه‌از قزاقستان را بدست آورد سیاست های روسیه تزاری از بسیار

---

۱ - مغز برادر بزرگتر ترجمه ژاله علی خانی ص (۱۰)

جهات خط مشی دولت های کمونستی روسیه گشت. روسهای استعمار گرد ردورهٔ تزاری ازشمشیر ودکتاتوری وخدعه و فریب کار میگرفتند ومیکوشیدند ملت‌های تحت استعمار خویش را روسی‌ساز ند ودر میان آنها انواع شراب نوشی وفحشا وبیسوادی‌را رائج نمایند روسها در حالیکه مدنیت کهن ندارند ونقش شان‌درتاریخ ومدنیت‌های باستانی‌هیچ نیست در دورهٔ تزاری دولت‌تزارتبلیغ‌میکرد که روس سردار ملل و موجه بزرگ تمدن انسانی است روسها در کشور های تحت اشغال‌شان زبان روسی‌را زبان رسمی‌اعلام‌میکردند ودولت تزاری برپایه یک دکتاتوری ناسیونالستی‌شدیدا ستوار بود ودر داخل امپراتوری روسیه ملت روس سرور وملت باقدرت وآمر بحساب‌میرفت واداره کننده گان‌روسیه ازدرجه‌یک تادرجه سه‌از میان ملت روس تعیین میگردید وملت هائیکه تحت نفوذ وسطه روسها قرار گرفتند هیچ نوع نفع مشترک وزبان و کلچروسنت های تاریخی مشترک نداشتند وروسها یکصد ملیت راتحت ادارهٔظلم وزور خویش قرارداده بودند.

روسیه‌دردورهٔ تزاری ولایت‌مروورادر ۱۸۸٤ وعلاقه پینجده‌را در ۱۸۸۵ وبعض حصص مرزی افغانستان راتحت اشغال وغصب خود قرارداد.

روسیه تزاری بنیان گذار همه رعب ها وفشارها ونفاق افگنی هایین

ملت های محکوم ومورد مدار تریب کاری‌ها ونیرنگ ها وخدعه، بود که اکنون روسیه بلشویکی همان خط مشی تزاری را درچهرهٔ نظام(کمونستی)تعقیب مینماید وبلشویک ها میخواهندباالحاق‌دولت های کوچک آهسته آهسته در جریان مارش تاریخی‌خویش‌بر تمام کره زمین مسلط شوند وهمه اهداف و اندیشه عالی انسانی‌مبنی برصلح‌و عدالت‌ومساوات را ازمیان بردارندولی‌افغانستان‌به‌آنهادرس‌تاریخی‌داد

اکنون ملت قهرمان و مسلمان افغانستان به نیروی‌ایمان روسها را با ضربات مهلک خویش از اشغال افغانستان پشیمان ساخته اند و روسها نیز به خطای خود معترف شده اند و در نهایت مجبور خواهندشد که وطن ما را ترک کنند اما در بدایت اشغال این اهداف و علل محرک آنها در این خون آشامی تاریخی همان بود که قرار ذیل بیان میگردد .

۱ ـ دست یابی به بحر هند و خلیج فارس : ـ اکنون قوای روسی در یمن جنوبی و ایتیو پی در اطراف تنگی باب‌المندب در دریای سرخ حضور دارند بسته شدن باب‌المندب استفاده از کانال‌سویز را محال میسازد و روسها میخواهند به خلیج فارس و تنگی هرمز نیز مسلط شوند و به آبهای‌گرم بحر هند راه یابند و صاحب حرف اخیر در جهان گردند و افغانستان در مسیر این اهداف قرار دارد .

۲ :ـ تسلط برمنابع انرژی جهانی:ـ قرار معلومات روسها درسال

۱۹۸۰ به ۸۰ ملیون بوشکه نفط از خارج احتیاج داشتند وجود نفط و گاز و معادن دیگر در افغانستان و نزدیک گردیدن آنها به خلیج فارس و منبع اساسی انرژی جهانی آنها را به اشغال وطن ما تشویق کرد.

۳ :- خلاصی موقت ازقیام های ملی و اسلامی ما و راالنهر وملت های تحت ستم - در امپراطوری روسیه یکصد ملیت و قوم مکونت دارند و هفتاد زبان این ملت ها زبان کتابت بود این ملیت‌ها دارای زبان و عنعنات مختلف اند و در وقت تزار توسط زور شمشیر در داخل این امپراطوری محبوس گردید ند وپلان های روسی ساختن ملیت های غیر روسی توسط تزارها پی ریزی شدواین پروسه بعد از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ توسط حزب کمونست روسیه ادامه یافت روسهابا اشغال افغانستان خواستند افکارعمومی ملت‌های ناراضی وتحت استعمار خویش را مشغول این قضیه سازند.

٤ـ اختلال توازن قوای جهانی به نفع روسیه ! نفوذ روسیه بعد از جنگ عمومی دوم در ۱۹٤۵ براروپای شرقی وتسلط احزاب کمونست برحکومات بعضی کشورهای جهان سوم وتمایل بعضی کشور های عقب نگه‌داشته شده به پیروی از بعض روشهای سوسیالستی وظهور روسیه بحیث یک قوه اتومی جهان هم اسبابی بود که ... را در جامعه ملل بالا برد وسیاست ایالات متحده امریکا بعداز مسئلهٔ ویتنام تضعیف گردید با ملاحظات فوق روسها در جریان تفکر اشغال افغانستان مطمئن

بودند که این تجاوز عکس العمل نظامی غربی و دول اسلامی را همراه نخواهد داشت .

۵-نیرو گرفتن قوه مقاومت و تنفر مردم از رژیم مارکسیستی کابل بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ مقاومت ملت علیه رژیم مزدور آغاز گردید و هر روز طوفانی تر میشد وچهرهٔ غلامی رژیم مکشوفتر میگشت و دیکتاتوری احمقانه تره کی و امین بامر روس در هر حصه از وطن ماقیام عمومی را براه می انداخت و ملت مسلمان افغانستان رژیم مارکسیستی کابل راقبول نداشتند و آن را ضد اسلام و آزادی میهن شان تشخیص داده بودند فلهذا روسها به خاطر نجات حکومت مزدور در ۶ جدی ۱۳۵۸ امین راازمیان برداشته وشاه شجاع ثانی ببرک را بقدرت رساندند و در انظار جهانیان وطن ما راتحت اشغال نظامی قراردادند.

۶-زمستان بهترین وقت مداخله حساب گردید !-چون در زمستان شرائط برای مجاهدین سخت میباشد وتامین مواد ضروری سنگرهای مجاهدین به مشکلات مواجه میگردد فلهذا روسها خواستند افغانستان را درزمستان اشغال نمایند .



مقاومت اسلامی وملی مردم

جهاد افغانستان ومقاومت علیه دولت مارکسیست کابل به یک وقت در تمام افغانستان به میان نیامد بلکه در آغاز کودتای ثور کمتر کس چنین عکس العمل وقیام عمومی را در سراسر افغانستان پیشبینی میکرد کسانیکه اولین مهاجرت ها واولین مقاومت های مسلحانه را علیه رژیم کابل آغاز کرده اند تعداد کمی بودند که باثر ارتباط شان به سازمانهای اسلامی وبا ضدیت صریح شان با رژیم وخوف زندان واعدام مشکلات مهاجرت ویا قیام مسلحانه راانتخاب نمودند اما وقایع افغانستان هر روز در حالت تغییر بود ومارکسیست های دیوانه وهادار شان روسیه نمیدانستند که چگونه این قیام هارا از میان بر دارند قتل های عام مردم وحبس ها واختناق ها تمام ملت افغانستان را طوفانی تر ومواجه تر میساخت.

قیام های اولی با دست های خالی تبر و تفنگ های شخصی وچوب وسنگ آغاز یافت وجهاد صادقانه وبا هیجان وشدید بود در مقابل عکس العمل مارکسیست های مزدور نهایت خشن و غیر انسانی ادامه داشت واندکتر ین حرکت چندین انسان بی گناه را به اعدام مواجه میساخت اولین قیام مسلحانه به تاریخ اول جوزای ۱۳۵۷ در درهٔ ویگل نورستان قید شده است (۱) بعد از این تاریخ

۱:- بعضی ها اولین قیام را در (۹) ثور ۱۳۵۷ توسط مردم زیرک دانسته‌اند ـ فاجعه تالیف داکتر ظاهر صدیق

هرروز قیام های پیهمی در سراسر افغا نستان علیه رژیم‌مارکسیستی کابل به وقوع می پیوست وصدای مخالفت از هر جا بالامیشد رژیم در سال دوم کو دتای خود خواست با بعضی نیرنگ ها قیام مر دم را خاموش سازد در چنان شرایط امکان مهارشدن‌را نداشت.

انتخا ب اشخاص غیر حزبی به وظایف‌عمده (۱) وتبلیغ به‌خاطر تشکیل (جبهه متحد) شبیه جبهۀملی پدروطن‌کنونی وتماس‌های مخفی بین رژیم وبعضی از گرو های مجاهدین (۲) واراکین دو لت ها ی سابق ودیدار شاه محمد دوست معاون وزیر خا ر جه وقت در ژوئیه ۱۹۷۹ از اسلام‌آباد وتوقف‌اصلاحات ارضی وتخفیف‌جلب‌زنان به‌سواد آموزی وعقب گرایی های دیگر هیچکدام نتوانست قیام ملت‌مظلوم افغانستان را متو قف سازد این پیکار ها گاهی سقوط‌دایمی ولسوالی هارا دربر داشت مانند مناطق هزاره جات وبدخشان‌و درپهلوی این

۱-: مانند انتصاب دکتور عبدالحلیم طبیبی‌به صفت‌نماینده دائمی افغانستان در ملل متحد در ۳ژوئیه ۱۹۷۹ وآ قا ی کاکرسفیر در بنگله دیش وبه همین قسم انتصابات پاین تر از وزیر ازاشخاص غیر حزبی در قضاء وخارنوالی ها و دوا یر دیگر که اکثر آنها فعلا به مجاهدین‌پیوسته‌اند.

۲-: اسناد لانه جاسوس امریکا در ایران دربارۀ افغانستان شماره - ۲ صفحه ۱۸٤.

امر بعضی مقاومت ها قادر برآن نبودند که کاملاً بر منطقه مسلط شوند در بعضی حصص دیگر تا مداخله صریح روسها در ۶ جدی ۱۳۵۸ مقاومت نهایت ضعیف و ناچیز بود و بعد از مداخله آشکار روسها قیام آنها چشم‌گیر و جهاد شان پرافتخار گردید.

تا مداخله صریح روسها در ۶ جدی ۱۳۵۸ همه کشور های همسایه ومنطقه وجهان از دادن هرنوع کومک به‌مجاهدین افغانستان خودداری میکردند ومصدر سلاح برای مجاهدین همانا اسلحه بدست آمده از جنگ ها و قیام‌های داخلی و خرید بعضی اسلحه از مناطق سرحدی وبراق های شخصی مردم بود اگر کومک های بیرونی هم صورت گرفته باشد نهایت محدود بوده است .

مهمترین قیام ها تا ۶ جدی ۱۳۵۸ عبارت اند از:

۱- قیام ۶ حوت ۱۳۵۷ در ٥ سوف

۲- طوفان ۲٤ حوت همین سال در هرات

۳- مقاومت ۳ سرطان ۱۳۵۸ چنداول

٤- آغاز جهاد در ۱۷ سرطان ۱۳۵۸ در دره پنجشیر

٥- شورش بالاحصار کابل در ۱۷ اسد سال مذکور

۶- تسلیمی غندکوهی اسمار در اوائل میزان ۱۳۵۸ به مجاهدین

۷- سقوط کامل ولسوالی ها و مرکز ولایت تخار در اوائل

جدی ۱۳۵۸

همه این مقاومت ها پرخون بود مخصوصاً قیام ۲۴ حوت هرات و ۳ سرطان چنداول که در هرات طیارات روسی توده مردم مقاوم را که پیر و جوان و طفل و زن اشتراک داشتند بمبارد مان کردند و در چنداول نظام تره‌کی در پهلوی مارکسستی باتبعیضی‌که داشت هر زن و مرد هزاره را که گرفتار کرد و لوهیچ ارتباط باقضیه نداشت خارج کابل ساخته تیر باران و در خندق ها مدفون ساخت بعد از ۶ جدی ۱۳۵۸ با اشغال واضح افغانستان تحولات مهمی در وضع جهاد و در ساحهٔ داخلی و بین المللی‌بوجود آمد بعد از ۶جدی ۱۳۵۸ ، تعداد از مناطقیکه علیه تره‌کی و امین قیام را آغاز نکرده بودند بادیدن تا نک های روسیه درخیابان‌هاو دهات شان‌بشور آمده‌وبر علیه اشغال وطن شان آماده هر نوع‌قربانی در راه اسلام وآزادی میهن‌شان شدند از جانب دیگر اشغال صریح افغانستان به مجاهدین ما اهمیت بین المللی داد واین اشغال از طرف اکثرسازمانها معتبربین المللی‌و منطقوی محکوم گردید وکو مک‌هائی از کشور های اسلامی‌وجهان آزاد به مجاهدین و مهاجرین میسر شد.

پناهندگی مأمورین بزرگ و مهاجرت بیشتر گردید وتاا کنون‌این قیام روبقوت وهمکانی شدن میباشد وربع مردم افغانستان‌درپاکستان و ایران مهاجروبیش از ۲۰ فیصدآن شهیدومعلول گشته اند بعضی از

فریب خورده گان که در اوائل از کودتای ثور واشغال افغانستان
حمایت مینمودند بامرورزمان به‌سهو خویش پی‌برده بامجاهدین ملحق
میشوند ومیخواهند اسم خویش را ازلست وطن فروشان خارج‌سازند
ودرین معرکه‌حق وباطل- دم‌مظلوم خویش‌را یاری رسانند وبادشمن
برای همیش قطع علاقه نمایند تسلیمی قطعات عسکری ولسوالی های
ولایات و فرار پیلوت ها با طیارات دلیل برین مطلب میها شد

باکشور برا در پاکستان ۲۲٤۰ کیلو متر با جمهوری اسلامی ایران ۸۵۵ کیلو متر با چین ۹۳ کیلومتر وبا تاجکستان واوزبکستان وترکمنستان ۲۳۰۰ کیلومتر میباشد.

در افغانستان قومیت های مختلف وبرادر تاجک ها ترک ها پشتون ها ونورستانی ها وبلوچ ها وهزاره ها زندگی میکنند که در طول تاریخ برادرانه ومشترکاً از وطن و مقدسات وناموس خوددفاع نموده اند وهیچ تنافروبدبینی میان این اقوام وجود ندارد وهمیشه درمیان خود منسجم ومتحد زندگی کرده اند گرچه بعضی سیاسیون گاهی این اختلافات رابه خاطربهره برداری دامن زده وخواسته اندبعض اقوام را ازاکثرحقوق اساسی وسیاسی وملی شان محروم سازند که خلق این تبعیض هاچه درسابق وچه دروضع کنونی کشورمحکوم وقابل نکوهش است .

نفوس افغانستان از ۲۲ میلون متجاوز گشته ودرحدود یک ربع آن بصفت آواره ومهاجردرکشورهای همجوار پاکستان وایران وسائر جهان زندگی میکنند واز نظر رهایش ۷۰ فیصد مردم ما دهنشین هستند . ودری و پشتو زبان های رسمی کشور ما میباشند .

واز لحاظ ارتباط مردم بادین اکثریت قریب بعموم ملت افغانستان مسلمان وفقط اقلیت محدود ازهندو هــــــا نیز در افغانستان سکونت دارند مسلمانان افغانستان پیرودو مذهب عمده اسلامی

افکار عامهٔ جهانی و اشغال افغانستان

روسها بازیر پا گذاشتن همه قوانین و اعراف بین المللی در ۶ جدی ۱۳۵۸ کشور مارا اشغال نمودند این عمل امنیت جهانی را بخطر مواجه ساخت مجامع بین المللی کشور ها و شخصیت های بزرگ جهانی این عمل را نیکوهش کردند ومجمع عمومی ملل متحد همه ساله باکثریت آراء قرارهای قاطع مبنی برخروج روسها از افغانستان صادر نمود که قرار ذیل بیان میشود.

۱ - در ۲۴ جدی ۱۳۵۸ بعداز ۱۸ روزازاشغال باکثریت قاطع ۱۰۴ رأی

۲ - در ۲۰ نومبر ۱۹۸۰ - (۱۱۱) رأی

۳ - در ۱۱ نومبر ۱۹۸۱ - (۱۱۶) رأی

۴ - در ۲۹ نومبر ۱۹۸۲ - (۱۱۴) رأی

۵ - در ۲۳ نومبر ۱۹۸۳ - (۱۱۶) رأی

۶ - در ۱۵ نومبر ۱۹۸۴ - (۱۱۹) رأی

۷ - در ۱۳ نومبر ۱۹۸۵ - (۱۲۲) رأی

۸ - در ۵ نومبر ۱۹۸۶ - (۱۲۲) رأی

۹ - در ۱۱ نومبر ۱۹۸۷ - (۱۲۳) رأی

در ۲۰ دلو ۱۳۵۹ کنفرانس کشورهای غیر متعهد دردهلی افتتاح شد درقطعنامهٔ این کنفرانس خروج نیرو های بیگانه از افغا نستان تقاضا

گردید در ۲۵ حمل ۱۳۵۹ در کنفرانس اسلامی لندن قضیه افغانستان اساس کار قرار گرفت و تقاضا شد تا فوراً روسها از افغانستان خارج گردند در جون ۱۹۸۰ کنفرانس ۷ کشور صنعتی اروپا در ژینو این عمل روسها را تقبیح کرد در ۲۵ جون ۱۹۸۰ وزراء خارجه ناتو در ترکیه خروج قوای روسی را تاکید نمودند کنفرانس کشورهای اسلامی عضویت رژیم کابل را معلق قرارداد و تکراراً طالب خروج قوای روسی از افغانستان شد بازار مشترک اروپا و دیگر سازمانهای بین المللی و منطقوی و رجال برجسته جهان این عمل را تقبیح کردند. وحتی بعضی رجال علمی بزرگ روسیه نارضائیتی خویش نسبت به این حادثه را ابراز داشتند که درین حصة میتوان از داکتر سخاروف نام برد.

وبه این ترتیب پرستیژ بین المللی روسیهٔ خدشه دار گردید در پهلوی مقاومت دلیرانه ملت افغانستان افکار عامه جهانی عنصر موم دیگری است که روسها را وادار بخروج از افغانستان خواهد ساخت.

اسلام مقدس و مسئلهٔ حکم و اداره (۱)

اسلام یکی از ادیان بزرگ گیتی است که دارای اساسات جاودان بوده و از جمله مکاتب حقوقی معروف جهان به حساب میرود.

عقیدهٔ راسخ مردم ما به دین مقدس اسلام و آزادی خواهی فطری و تاریخی این ملت با قبول اینهمه قربانی ها، بالاخر روسها ی اشغالگر را به خروج از وطن ما ن افغانستان وادار می نماید، علاوه از اینکه حفظ اساسات اسلام وجیبهٔ دینی ما میباشد، بقای هویت و وحدت ملی و آزادی استقلال، وتمامیت ارضی وطن محبوب ما درسایه های قرآن و ایمان تاءمین میگردد، دین مقدس اسلام تمام شوءن حیات فردی، واجتماعی عبادات احوال شخصی معاملات روابط بین المللی مسائل حکم و اداره را موردبررسی قرارداده وتمام آنها را بشکل بهترحل وفصل نموده است.

درمسالهٔ حکم و اداره ورهبری ملاحظه میکنیم که دراسلام حکومت فردی ومطلقه وجودندارد، خلیفه دراسلام توسط مردم وبواسط بیعت انتخاب میگردد، مسلمین حق عزل خلیفه وسلطان را دارند. حکومت اسلامی حکومت کهنه وزعمای مقدس مانندحکومات پاپها درقرون وسطی نمیباشد، حکام مسلمین ازطرف خدا ونه فرستاده نمیشوندبلکه امت اسلامی آنها را انتخاب مینمایند **خلفاء وحکام اسلام بعد از حضرت محمد (ص)** موردانزال وحی قرار، نمیگیرند، آنها فقط احکام قرآن سنت وقواعد اسلامی را تطبیق میکنند. رهبروامام از جمله صالحین وروی معیار های علم، تقوی، ودرایت سیاسی آنان انتخاب میشوند، علم به تنهائی وتقوی به تنهائی کافی نیست. علم وتقوی دراحتکار طبقه معین از مسلمین نمیباشد، بلکه هرمسلمان میتوانندعالم ومتقی گردد واز ثمرات آن بهره مندشود

رهبراسلامی باید دارای درایت ومدیریت باشد، مسلمانان درصورتی که ضرورت پیش آید، اشخاصی **را که اهلیت قیادت کشور اسلامی را**

۱: جریدهٔ جبههٔ جهاد، شماره ۳۲

دارند تشخیص داده وانتخاب مینمایند فلهذا دراسلام حکومت خودسرانه وخود ساخته واستبدادی مردود است وقابل پذیرش نیست. حکام جوامع اسلامی به نیابت از مسلمین مکلفیت تطبیق احکام شریعت را بعهده میگیرند واتفاق اغلبیت مردم در انتخاب خلیفه وسلطان کافی دانسته میشود رقابت وکنترول حکومت از طریق مبدأ امر بمعروف ونهی از منکر ادامه می یابد شوری یکی از اصول مهم حکومت اسلامی به حساب میرود. تعدادی زیادی از علمأ با استفاده از آیهٔ (وشاورهم فی الامر وجوب آنرا حکم کرده‌اند وشریعت مقدس اسلام طریقهٔ خاص از نوع شوری را معین نفرموده است شکل شوراووسیله تحقق آن حسب ظروف قابل تغییر وتطور میباشد مبدأ شوری در حیات پیغمبر (ص) بارها مورد تطبیق قرارگرفته است که میتوان مشاورات در سرنوشت اسرای غزوه بدر وخروج برای مقابله اعدأ در غزوه احد وحفر خندق درغزوه احزاب رانام برد.

شوری در دورهٔ خلافت راشده تطبیقات عملی فراوان داشت اهل حل وعقد که از نظر فقه اسلامی وظیفه انتخاب خلیفه وحق تصمیم گیری در مسائل سرنوشت ساز جامعهٔ اسلامی را دارند عبارت از صفوه وممتاز ترین مسلمانها از حیث علم وتقوی ودرایت فراست و صاحبان تجربه در امور اداره هستند وبااین صفات خویش درحقیقت

اهل حل وعقد نمایندگان واقعی امت اسلا می اند که با مر ا عا ت مصالح اسلام پیشوای مردم را انتخاب مینمایند. قانون های اساسی افغانستان قبل از اشغال غا لباً توسط لو یه جرگه هاتصویب میگشت ولویه جرگه ها درآن قوانین تعریف گشته بود. صرف‌نظر ازآن‌تعریف ها لویه جرگه در اذهان مردم ما چنین مفهوم دارد که تعدا دی از خبره گان مردم که شامل علمأ دین ودانشمندان وسران‌قوم‌وا.خاص با نفوذ ومامورین بلند پایه عسکری وملکی میباشد جمع شوند ود ر مسائل عمده چون انتخاب رئیس‌دولت تصویب قانون‌اساسی‌وکارهای مهم وسر نوشت ساز تصمیم گیرند.

در شرایط فعلی، مادگر گونی های بی پا یان دا خلی و جها نی را ملا حظه می نمایم وجهاد مااز راس تاقاعده از یکنوحدت سیاسی ونظامی وحتی ایدیو لو ژیکی برخوردار نیست .افغانستان‌کشوری است که دارای قومیت های مختلف‌ازبک ،تاجیک، پشتون وهزا ره وغیره بوده ودران مذاهب سنی وشیعه وجود دا رد آیا ممکن است حکومات خود ساخته وتحت امر ونظر دیگران وبدون درنظر داشت وشمول ارادهٔ مردم مورد قبول واقع شود باید اظهار دا شت که هر حکومتی که بدون ارادهٔ ملت بالای ماتحمیل گردد مواجه‌به شکست خواهد بود .

در افغانستان درقوانین مدنی واساسی ماقبل‌ازتجاوز روس قیودی وجود داشت که بعضی‌افراد نظربه بعضی شرائط نمیتوانستند رهبر مردم قبول شوند. نه تنهانمیتوانستند زمام‌امور مملکت را در دست گیرند بلکه نمیتوانستند زمام‌امور یک‌وزارت خانه رابدوش‌گیرند. این قیود، مثبت مورد پذیرش مردم بود چه از حیث امنیت مملکت و چه ازحیث حفظ‌حرمت. افراد وشئونات جامعه اگر بدان قیود به‌نظر دقیق‌دیده شود لزوم آن حتمی‌بنظرمی رسد و رفع آن قیود از یک طرف امنیت کشور را مخدوش خواهدکرد و از طرف دیگر برای یک ملت اهانت آمیز خواهد بود ممکن است. درین مرحله حساس از تاریخ کشور مان لویه جرگه یی مرکب از علماً دین رهبران جهاد. فرماندهان دانشمندان. منورین سران اقوام مختلف و برادراقغانستان مامورین قضات و افسران ارشد عسکری که در جانب‌مردم خود قرار گرفته‌و علیه تجاوز روس مقاومت کرده اند جمع شوند و سرنوشت ملت خویش‌را معین کنندوحکومت عبوری تشکیل نمایند. لویه جرگه ءنعنوی افغانستان شباهت های کلی با اهل حل و عقد در فقه اسلامی دارد که مسئول انتخاب رهبر اسلامی اند.

مردم افغانستان قصد دارند که حکومت اسلامی و ملی خود را بروفق شریعت اسلام و به پیروی از (مذهب) تشکیل‌دهند وعناصری را که میخواهند در چنین مرحله حساس‌انقلاب دیگری رادر داخل

افغانستان بمیان آورند ودر تحطیم مذهب حنفی که اکثریت قاطع است و محو مذهب جعفری و نابودی علماای مذاهب و تخریب تصوف اصیل اسلامی و فرهنگ و تمدن کشور ما و توهین و بی احترامی بمقام رجال بزرگ بخون و آتش پیش روند و دانشی جز این ندا رند . اینان از حمایت مردم افغانستان بدورند و ملت عزیز ما زین دسته عناصر متنفر می باشد درین مرحله کسانی موفق میباشند که جا معه خود را شناخته و بهمه اقوام برادر افغانستان حق میدهند و آنها را برادر خویش و همپای خویش می شمارند از تبعیض و تعصب قومی و زبانی و منطقوی نفرت دارند از انحصار سلطه در دست یک گروه یک منطقه ویک طائفه دوری میجویند حقوق همه رامراعات ومحبت برادری را میان ما کنین افغا نستا ن تا مین وارا دهٔ انهارا محتر م میشمارند وحکومت اسلامی وآزاد افغا نستا ن را حسب خو ا ست وانتخاب این ملت قهرمان تشکیل مید هند.

چشم اندازی به آینده

الف (آیا روسها کاملاً افغانستان را ترک میگویند ؟)

ترک روسها افغانستان را بدان معنی نیست که ملت ما دشمنی خویش را برای همیش با روسها نگه دارند بلکه روسها هر گاه مطابق معیار های حقوق بین‌الدول و عدالت افغانستان را ترک گویند و مردم ما را بگذارند که آزادانه زندگی نمایند کشور ما بعد از ترک مداخله دوباره روابط نورمال خویش را با روسها برقرار خواهند نمود آشتی بعد از جنگ در روابط فردی و بین المللی موجود است تعداد کشور هائیکه از استعمار انگلیس آزاد شدند بعداً همه آنها روابط خود را با انگلیس برقرار وحتی با این کشور از در دوستی پیش آمده اند گرچه روسها تا اکنون افغانستان را ترک نگفته اند و خدعه و فریب خود را تا آنجا که امکان داشته باشد استعمال خواهند نمود اما باید نکات ذیل را که در نهایت خروج روسها را موجب خواهند شد در نظر باید داشت .

۱ ـ مقاومت ملت ما با وجود مشکلات از حمایهٔ اکثریت مردم کشور مان بر خوردار است

۲ ـ جنگهای چریکی و وضیعت اراضی افغانستان به روسها تلفات قابل ملاحظه دیگری را واردمی آورد .

۳ - حل نظامی قضیه درآینده‌های نزدیک برای روسها بعید بنظر میخورد.

٤ - روسها تحت فشار افکار عامهٔ جهانی قرار گرفته اند و در ١٤ اپریل ١٩٨٨ در جینوا تعهد سپرده اند که افغانستان را در مدت ۹ ماه یعنی تا ١٥ فبروری ١٩٨٩ ترک گو یند.

٥- درصورت دوام قضیه افغانستان ازنظر سیاسی الی‌ماشاالله روسهارا مشغول خواهد ساخت وبیشتر آنهارابه انزوا خواهد کشاند.

٦- خوف امکان قیام های ملی بیشتردر میان ملیت‌های تحت سلطه روسیه که‌مثال عمدهٔ آن‌قیام شهر الماتای قزاقستان‌در اوائل سال ١٩٨٧ و مشکلات موجودمیان‌ارمنستان وآذربایجان وصدا های آزادی خواهی وزنجیرشکنی ازقید کمونیزم‌دراکثرحصص روسیه میباشد.

٧- مشکلات‌اقتصادی روسیه هرروز بیشتر میشود وموجب‌تصحیح پالیسی اقتصادی وسیاسی واجتماعی روسیه میگردد.

٨- آفت‌های آسمانی که‌اشک‌ومظلومیت ودعای ملت افغانستان درآن بی‌اثرنخواهد بود اقتصاد واموراجتماعی روسیه‌را متأثرمیسازندمانند تخریب‌دستگاه اتومی‌چرنوبیل درسال گذشته‌وزلزله ارمنستان درسال جاری که‌فاجعه‌های بزرگی‌بحساب میروند وغالباً ارهاصاتی ملاحظه میشود که بیاری‌خداوند روسهامجبور خواهندشد که‌خانه ووطن مارا ترک گویند و ملاقات و رنسوف معاون اول وزارت خارجه روسیه

باهیت عالی مجاهدین در طائف در ۱۳ - ۱۴ - قوس ۱۳۶۷ خوجی از اعتراف به مجاهدین افغانستان دانسته میشود و معلوم میگردد که روسها از بقای رژیم مزدور بعد از خروج شان مأیوس شده اند.

میبا شندکه اکثریت رامنی های حنفی واقلیت راشیعه های جعفری و اسمعیلی تشکیل میدهد .

افغانستان یکی از کشورهای عقب نگه داشته شده جهان میباشد . وا ساس اقتصاد افغانستان را زراعت ومالداری تشکیل میدهد که آنهم عقب مانده وابتدائی است وبنابر تخریباتیکه روسها سیستم های آبیاری ومزارع رانموده اند واز جانب دیگر مهاجرت دهقانان به کشورهای همسایه ومناطق کوهستانی داخل افغانستان سبب شده است که فرآورده های زراعتی ومالداری سیر نزولی خویش راپیماید وشبه قحطی در بعضی مناطق افغانستا ن ظهو ر کند.

درا مد سر انه در افغانستان ۲۵۰ دالر تخمین میشود.

وضع تعلیم وتربیه در افغانستان نهایت متخلف وقبل از مدا خله روسها افغانستان ازعقب مانده ترین کشورها ی جها ن در ز مینه تعلیم وتربیه بحساب میرفت بعداز اشغال افغانستان وقیام مردم علیه تجاوز اکثر مدارس ومکاتب وموسسات آموزشی درافغانستان بشکل تعطیل عمومی درامدند اجبار جوانان به عسکری دردوره های متوسطه ولیسه ودانشگاه موجب مهاجرت وقلت تعداددانش آموزان ودانشجویان درین موسسات تعلیمی شد وطبقه نسو ان بیشتر فرصت قبول وتحصیل در دانشگاه های بدنام و مسموم کنندهٔ رژیم مزدور را یافتند و بیش از(۹۰) فیصد از مردم ما از داشتن سواد محروم اند.

ب- راه معقول انتقال قدرت بمردم و صیاغت نظام سیاسی جدید

چگونه تصور میشود وقتیکه روسها خاک افغانستان را ترک و نفاق و عدم همبستگی فعلی بین مجاهدین وجود داشته باشد حتماً اختلافات قومی، منطقوی، ایدیالوژیکی و گروهی شعله ورتر خواهد شد و منافع شخصی همه مصالح اسلامی و ملی را زیر پا خواهد ساخت نو بدولت رسیدگان چه عمل انجام خواهند داد بنأملت مسلمان افغانستان وکشورهای دوست آن در راه جستجوی طرق معقول انتقال قدرت بمردم ما باشند در صورت خروج رسها از افغانستان چه نوع حکومتی میتواند در افغانستان امنیت را در مدت معقول تأمین و زمینهٔ انکشاف اقتصادی و اجتماعی سالم را مهیا سازد آیا ممکن هست یک حکومت و دولت چپی غیر اسلامی در افغانستان تشکیل امنیت و وحدت ملی را تأمین نماید ؟

دولت چپی کمونست در افغانستان ناکام وراه را بسوی اشغال افغانستان توسط روسها باز کرد و غلامی خود را عملاً ثابت ساخت و عنصر غیر قانونی محسوب گردید عناصر مارکسیست در آینده افغانستان آزاد جائی ندارند بعد از خروج روس باید تأمین امنیت در کشور مان را کار ساده نه انگاریم حالت کنونی میهن ما بامقاومت

حبیب‌الله خان کلکانی علیه امان‌الله خان و بعد آمدن نادر خان فرق زیاد دارد و آن امر داخلی و نسبت به جریانات فعلی قضیه بسیار محدود بود و تحولات کنونی وطن ما نهایت بزرگ میباشد .

یک حکومت تندرو اسلامی به‌تنهائی خویش دراین‌مرحله حساس نیز به دشواری های زیادی‌روبرواست و مخصوصاً اختلافات تند روان اسلامی که در میان خود در افغانستان به فرقه های مختلف‌متضاد تقسیم و بشترین تصادمات و قتال ها و کشتارها در میان‌آنها انجام گردیده تشکیل و استمرار و پیروزی این نوع حکومت در افغانستان نیز مورد سوال قرار دارد وبعید بنظر میرسد از جانب دیگربا این همهٔ ادعاهای بلند بالا اختلا سها و خودسری‌ها وعدم‌مراعات ارادهٔ مردم از جانب ایشان اعتبار و احترام آنهاراتضعیف کرده است موفقیت‌بیشتری راشاید‌حکومتی درمرحله‌انتقال بسوی‌امنیت سرتاسری دردست داشته‌باشد که‌دارای‌خصوصیات‌آتی باشد .

۱ـ حکومتیکه‌که قوانینش فقط الهام از اسلام ومذهب وعدالت اسلامی گیردومشاکل ومسائل جدید عصر رادر روشنائی اسلام حل کندوفرهنگ ملی افغانستان رارعایت نماید .

۲ـحکومت بیطرف تشکیل‌شودبدین‌معنی که‌نه‌شامل اتحادیه های نظامی‌ونه تمایل‌اید یالوژیکی به‌شرق‌وغرب داشته‌باشدبلکه‌ممثل اراده اکثریت‌ملت مسلمان‌وطن خویش باشد .

۳-درترکیب حکومت همه قومیت های برادر افغانستان عادلانه سهیم گردند.

٤- حکومت انتقالی وسیع وغیر حزبی باشد ویا حزبی وشامل همه احزاب مسلمان سنی وشیعه بوده از رجال خبیر ودانشمند وسیاسی مسلمان وغیر حزبی استفادهٔ زیاد بعمل آید وقاعدهٔ محکم سیاسی واجتماعی را طرح کند.

۵-به خاطر تامین امنیت واستقرار نظام باید حد اکثر از دانشمندان وتحصیل کرده ها وافسران عسکری وبزرگان قوم صادقانه فداکاری نمایند ومسئولیت اسلامی خودها را در نظر گیرند

٦-تعدادی از رهبران واقع بین وفرماندهان بزرگ جهاددرترکیب حکومت ومراکز حساس دولتی انتخاب شوند

۷- عفو عمومی بهمه کدرهای پایان حزبی دولتی و نظامی که بادشمن همکاری داشتند اعلان وعملی شود بهتر است تا کارمندان دولت مزدور تاخروج کامل روسها انتظار نکشند وهر چه زودتر به مجاهدین ملحق گردند وازعفو های عمومی فعلی استفاده نمایند تانام شان درلست سیاه وطن فروشان ثبت نگردد.

۸-دپلوماسی وسیاست خارجی دولت جدید باید عاقلانه ومتوازن باشد تا بتواند روابط دوستانه را با کشور های همسایه اسلامی ودول جهان برقرار سازد وکومک ه‌ی اقتصادی این کشورهارا بخود جلب

نما ید و ا ین دپلو ما سی مانع مدا خلۀ کشو ر ها ی بز ر گ
درامور داخلی افغا نستا ن گر دد

۹ ـ بعداز خروج روس و بمیان آمدن حکومت اسلامی وملی آز اد در
ا فغانستان ر کن اساسی تامین امنیت و استقرار سیاسی راهکا ری و
دلسوزی کشور های اسلامی و همسایه و بزرگ جهان وسازمان ملل متحد تشکیل
میدهد باید کشور های اسلامی و همسایه و بزرگ و ملل متحد مسئولیت خویش
رادرین جمله درک و با ملت مظلوم افغانستان از راه همکاری پیش آیند حکومت
انتقالی با سیاست هوشیارانه خویش موجبات این همکار ی ها را مهیا سازد .

ج- تطهیر حکام مزدور و صدها و اشخاص دیگر

حکام مزدور که در مقامات بالا قرار دارند باید محاکمه و از همه وظائف دولتی بد دور انداخته شوند و این تصفیه باید شامل منشی‌ها و اعضای بیروی سیاسی و کمیته‌مرکزی احزاب کمونست مؤلفه در افغانستان رئیس‌جمهور بنام ومعاونین رئیس و اعضای شورای وزیران مزدور وارا کین شورای ملی قلابی و السی‌ها و منشی‌های ولایتی و قوماندان‌های‌فرقه‌ها و اشخاص با نفوذ حکومت مزدور گردد.

باتصفیه حکام مزدور و تشکیل حکومت اسلامی وملي افغانستان اصول‌وقانون اساسی مزدوران با قوانین و فرامین مهم دیگر یکه آنها صادر کرده اند لغوه اعلام میگردد.

بایدفرامین و قانون اساسی جدید و قوانین و لوایح دیگر جای گزین قوانین موضوعهٔ حکومت‌دست‌نشانده گردد. و همه معاهدات و قرارداد هائیکی مصالح ملی ما در آنها نهفته نیست و با ممکن و دول کتلهٔ شرقی ابرام گشته از اعتبار ساقط اعلام شود و دیون خارجی‌ئی که روسها و دولت های تحت نفوذ آن به مزدوران شان در کابل داده اند و این دیون صرف مقامات قاتلان مردم افغانستان مستشاران‌وعساکر روسی‌واشتخباراتیان وعیاش‌ها گشته‌همه

بی اعتبار وغیر قابل‌اجرآدانسته میشود .

سند اساسی در الغای‌قوانین مهم و معاهدات و عدم پر داخت دیون دوره حکومت مزدور اینست که حکومت مزدور به هیچ وجه حکومت قـا نـو نـی نـیـسـت حکو مت که به زور تا نک قوه‌بیگانه بمیان‌آید فاقدهمه اعتبارات دانسته میشود وقوانین آن معبر اراده حکام دولت استعمار گراست کسانیکه‌در جانب جهاد بهر سطحیکه‌قرار دارندو صورتیکه در جریان جهاد مرتکبت کشتار های دسته جمعی مجاهدین و اختلافات شدید دا خلی وخیانت های مالی واختلاس‌های بزر گشده باشند وعمل‌شان ازنظر اسلام جنایت باشد بعد ازتشکیل حکومت مستقل افغا نستان نیز مورد بررسی قرار گیرند وحکم‌شرعی درحصه آنهاصادر گرددباید اشخاص صالح و کارفهم وپاک در ادارات دولتی استخدام شوند ودرین حصه انواع‌بی عدالتی هادر میان‌نباشد.

حکام‌جدید افغا نستان بایدطالب همه خسارات واسترداد حقوق واموال تلف‌شدهٔ ملت‌افغانستان شوندکه‌اصول حقوق‌بین‌الدول عمومی واخلاق واعراف انسانی آن راحکم میکند واشغال افغانستان موجب این اتلاف شده‌است .

د- استقرار نظام سیاسی جدید

نظام سیاسی جدید که ما خصوصیات آنرا تاجائی متذکر شدیم در مرحله انتقال بسوی امنیت سرتاسری مسئولیت مهم و تاریخی رابعهده دارد این نظام اگربتواند درمرحلهٔ انتقال مصدر کار های ارزنده شود میتواند بعد ازتامین امنیت وتصویب قانون اساسی دائمی مورد اعتماد مردم قرار گرفته واین مقام واحترام راحفظ کند .

مرحله انتقال وتامین امنیت واقعی در شرائط کنونی که ملت ما به احزاب و بگروه های متخاصم منقسم و گسیختگی و انارشیزم دامن گیر ما گشته کارساده نیست انقلاب ونظم دوپدیده متعارض اند انقلاب نظم را برهم میزند تازمینه پیشرفت انقلاب مهیاشود و انقلاب بعد ازینکه قدرت را گرفت دوباره بمرور زمان نظم وامن رامستقر مینماید واهدافش راپیاده میسازد .

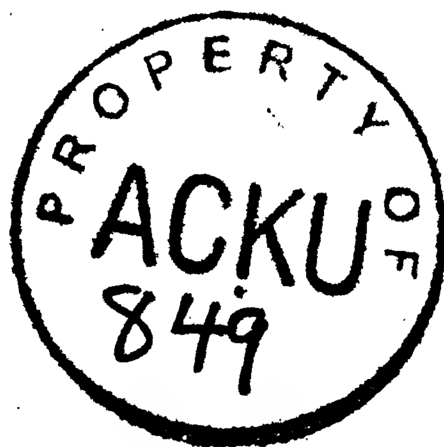
مردم افغانستان علیه حکومت مزدور و اشغالگران روسی انقلاب کردند این قیام امنیت سرتاسری رژیم مزدور راازهم پاشید وقتیکه این طوفان ملت پیروز میشود وقوه اجنبی خارج ومزدوران مضمحل میگردند حکومت جدید فعالیت های زیاد ووقت کار دارد تا امنیت سرتاسری را مستقرسازد انقلاب مردم افغانستان علیه قوه بیگانه و مزدوران یک انقلاب نهایت دشوار وتغیرالی را که این وضع دربنیان اجتماعی ملت ما وارد

آورد بی‌نهایت عمیق است لهذا استقرار نظام جدید وصلح وامنیت کلی کاربزرگ وچندین سال رادربر خواهد گرفت . .

گرچه احتمال دارد بادرایت لیا دت جدید و احساس مسئو لیت ملت نجیب ما وقطع مدا خلات اجانب وکومک های بی قید وشرط خارجی به دولت جدید حکومت نو بنیاد را قادر سازدکه در مدت نسبتآ کوتاه‌در سراسر افغانستان پایه های خودرا مستقر سازد.

مسئله تامین امنیت دراین مرحله سهم بزرگی در بودجه دو لت خواهد داشت اعمار تخریبات جنگ وتقدیم خدمات صحی واجتماعی ومسکن و . . . . دراین زمان از اولیت خاص بر خور دا ر اند این دولت باید همه وسایل وطرق زیادی‌رابه‌خاطر وحدت ملی واستقرار وضع استعمال نماید با آنچه گفته آمدیم بعد از خروج قوا ی رو سی از کشورمان‌امکان‌استمرارجنگ‌های داخلی وسقوط حکومات مختلف به‌خاطر عدم کارآئی آن در تامین امنیت‌واستقرار بعید به‌نظرنمیخورد باید فردفرد ملت افغانستان‌باریکی این مرحله سر نوشت ساز را درک و آنچه در استعداد دارند دراه تامین امنیت وآرامی وضع‌زندگی دریغ نفرمایند جاه‌طلبان ومدعیان دروغین وتفرقه افگنان وبدکاران‌راموقع ندهندکه دیگر به زندگی مردم بازی کنند وبا لای عقیده و مذ هب

وفرهنگ اصیل شان تجارت نمایند وکشور های اسلامی وجهان نیز
مارا بگذارند تا حسب تکوین اسلامی ومذهبی واجتماعی مشخص خود
نظام سیاسی خویش را انتخاب نمائیم ؟ ومن الله التوفیق



انجمن فرهنگی جبهه ملی نجات افغانستان

مراجع اهم

۱- قرآن کریم

۲- خدمات متقابل اسلام وایران استاد مطهری طبع تهران .

۳ - دسائس وجنایات روس دکتور حق شناس طبع تهران .

٤ - برادر بزرگتر ترجمه ژاله علیخانی طبع تهران.

۵ - افغانستان در مسیر تاریخ غبار طبع تهران.

٦ - گنج وگنجینه دکتور ذبیح الله صفا طبع تهران.

۷ - الاستفتاء الشعبی والشریعة اسلامیه دکتور ماجدراغب القاهره

۸ - مجاله السیاسه الدولیه ملف خاص حول افغانستان القاهره

۸ - زعما الاصلاح احمد امین القاهره.

رشد سواد در میان مهاجرین افغانستان در پاکستان و ایران نیز بیش از رقم موجود در داخل نیست مخصوصاً مهاجرین ما به تعلیمات عالی لیسانس و فوق آن بسیار کم دست می یابند و تعداد بیسوادان در میان زنان افغانستان نسبت به مردان بسیار زیاد میباشد در افغانستان معادن گاز ، نفت، ذغال سنگ ، طلا , نقره ، مس آهن ، لاجورد ، اورانیوم , نمک و انواع دیگر معادن پیدا میشود کشور ما دارای میوه‌های مناطق سرد و گرم بوده و این میوه ها مخصوصاً انگورو انار و خربوزه و پسته و کشمش از اقلام مهم صادراتی افغانستان دانسته میشوند وطن ما از نظر صنعتی انکشاف نیافته همه وسایل ماشینی رادیو ، تلویزیون و دیگر آلات و وسایل فلزی را از خارج وارد میکند . و در تقسیمات اداری افغانستان به (۲۹) ولایت (۳) لوی ولسوالی (۱۷۹) ولسوالی (۱۰۸) علاقداری تقسیم گردیده است .

افغانستان قبل از اسلام

بدون شک اولین مدنیت های بشری در شرق بمیان گذاری شد واین حضارت ها بیشتر درکنار رودها ودریاچه‌ها به‌میان آمد مهمترین مدنیت ها در شرق درکنار نیل درمصر وساحل دجله و فرات در وادی رافدین (عراق) وسواحل آمو وآبهای شمال وجنوب هندوکش در افغانستان وبالاخره در ایران وهند وپاکستان وچین بوده است که بعضی این مدنیت ها بیشتر از پنجهزار سال قبل از میلاد به‌میان آمده اند در حالیکه قدامت تاریخی قدیمی ترین مدنیت در غرب چون مدنیت روم ویونان از یک هزار سال‌قبل‌از میلادتجاوز نمیکند فلهذا اولین علم برداران علم ودانش بشری شرقی ها اند که بعداً این علم ودانش بغرب منتقل گشت بعضی آثاریکه از طریق‌کاوشهای باستان شناسی به میان آمده نشان میدهد که درحدود بیش‌از ۲۰ هزار سال قبل از امروز زندگی انسان در افغانستان وجود داشته واولین شاهان‌افغانستان‌بنام پادشاهان پیشدادی وکیانی واولین پایتخت افغانستان دردورهٔ پیشدادی ام البلاد (بلخ)بوده‌است.

بزرگترین کتابیکه درعهد باستان‌توسطزردشت‌یا زردشترای‌بلخی بمیان آمدکتاب اویستا بودکه‌در بیش‌از یکهزارسال ق-م نوشته شد

واین کتاب درپهلوی سائرامور اساسات دین زردشتی راتوضیح دادودر مرحلهٔخود نظریات نیکی رابمردم تبلیغ کرد گرچه درباره توحیدی بودن دین زردشت علمأ اختلاف دارند اما قرار یکه ازاوستا معلوم میشود دین زردشت ازبعضی لحاظ مبنی برعقیده توحیدویکانه پرستی استوار بوده است .

(۱)وبعضی ها دین زردشت را یک مرحله ترجیح وگذاربسوی توحید میدانند در دین زردشت اهورامزدا(یزدان) رابراهریمن ترجیح میدادند واوبخدای مجرد ازجسم وبزرگی می برد چون وقتیکه ازقربانی حیوانات منع کرد. و گفت(خدا جسم نیست که احتیاج بغذا داشته باشد) زردشت به کشت وزراعت وترقی اقتصادی مردم راتشویق میکرد تعدادی گویند که اوبه دو خدا (خدای خیروخدای شر) معتقد بود اگرچه خدای خیر (یزدان) راپرستش نمود واورا قوی میدانست باآنهم اورا عدهٔ زیادی دین ثنویت می پندارند گروهی زردشت را موحدو پیروان اورااهل کتاب حساب مینمایند وازدواج باآنان را مجازمی شمارند.

---

(۱)تجلی خدا درافاق وانفس تالیف علامه سلجوقی.

از جمله شهرستانی درملل ونحل وفاضل شهرزوری و علامه شیرازی وعلامه دو انی و میر صدرالدین و چند علما دیگر و تعداد اورا حکیم کامل دانند و بهترین فرامین اویستا عبارت از پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک است اگر در نبی بودن زردشت اختلاف باشد باز هم اهمیت تاریخی آن به مردم افغانستان در این خواهدبود که حتی در بدو مدنیت های بشری فلاسفه و نیک اندیشان و خیر خواهان و مدافعان مظلوم ازکشور باستانی ما تبارز نمودند و سهم عالی خود را در پیشرفت مدنیت بشری و تقدم مادی و معنوی جامعهٔ انسانی ایفا کردند .

افغانستان در دوره‌های قبل از اسلام هم گاهی موزد تجاوزات کشور کشایان قرار گرفت و مدتی استقلال خویش را از دست داد ولی در نهایت امر باثر مبارزه آزادی خواهی مردم افغا نستان باز دولت‌های مستقلی را تأسیس نمود و اجداد ما کشور کشایان نامی جهان را در دفاع از وطن خود مقتول و مجروح ومأیوس ساخته اند . اسکندر مقدونی کشور کشای مشهور جهان درشرق افغانستان در سالهای ۳۲۷-ق.م جراحت شدید برداشت ودیگر تاب سفرها ی جنگی را ازدست داد ودر بابل به سن ۳۲ سا لگی و فا ت نمو د.

افغانستان بار دیگر بعد از خلاصی از استیلای هخامنشی ویونانی در ۲۵۰ ق‌م دولت مستقلی را بنام دولت یونانو باختری تاسیس کرد

ولی مهمترین وقویترین دولت مستقل افغانستان قبل از اسلام همانا دوره های کوشانی افغانستان از ۴۰ تا ۲۲۰ میلادی ومخصوصاً امپراتوربزرگ آن کنشکای کبیر است که سلطنت وی میان سالهای ۱۲۰-۱۶۰ را دربر میگرد کنشکامه پایتخت داشت پایتخت تابستانی آن کاپیساوبگرام وپا یتخت بهاری وخزانی آن هده جلال آباد وپایتخت زمستانی آن پشاور بود.

بعد از دوره کوشانی ها دوره یفتلی هابمیان آمد آمپراتوری یفتلی از (۴۲۵-۵۶۶م)نیزیکي از امپراتوری های مقتدروقت بشمارمیرود این امپرا توری دا منه اش تا ایر ان وآسیای میانه وهند پیشرفت بناًافغانستان قبل از اسلام مدت های زیادی دارای امپراتوری های بزرگ و مدنیت های پر شکوه بود و در حدود پنجهزار سال قبل از امروز انغانستان دارای شهر های بزرگ زراعت و آبیاری و مالداری وتجارت باکشور های خارج وانواع فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را درک و عملی کرد هزارها آثار تاریخی مجسمه ها و صد ها آثار باستانی که از نقاط مختلف کشور ما بدست آمده گواه بر وجود تمدن کهن میهن عزیز ما میباشد درسراسر افغانستان بقایای مدنیت های عتیقه از قبیل دیوار اطراف کابل قلعه های ویرانهٔ بزرگ در قندوز تخار و هرات بست و میمنه پیدا شدن شهر بزرگ آی خانم در دشت قلعه تخار و آثار مهم تاریخی در بگرام وکاپیسا و هده جلال آباد ایبک مندیگک شمال قندهار ناد علی در سیستان در بلخ

ام‌البلاد وغزنی وهزاران کتیبه ونوشته دیگر که معاملات داخلی آن روز ی وروابط ومعاهدات بین الدول قبل از اسلام افغانستان را در بر میگیرد وبت بزرگ (۵۳) متری در بامیان وپیداشدن سکه های مختلف وآلات ووسائل مختلف جنگی ورزشی وآبیاری وزراعت وشکار همه گواه برآن است که مردم هوشمند وبا استعداد افغانستان رول مهم ونقش ارزنده یی را در مجموع مدنیت بشری ایفا و این مردم آزاد منش بعد از تاخت وتاراج بیگانه گان بر وطن شان درنهایت مطلف پیروز ونیک نام واستقلال خود را همیشه حفظ نموده اند.

کشورکشایان نامی جهان در تسخیر کهسار ومردمان آزاده افغانستان بموانع و به مشکلات زیادی دست وگریبان بوده اند . و شکست جهان کشایان گیتی در افغانستان گواه بر آزادی خواهی تاریخی ملت افغانستان بحساب می آید.

خداوند (ج) بهٔ طبع خواهد رسید مشکلات زمانی و وسائل طبع عواملی اند که این رساله از اغلاط محفوظ نخواهد بود روی هم رفته امیدواریم این رساله سهم متواضعی در جهاد قلمی محسوب گردد

ومن الله توفیق

پشاوراول جدی ۱۳۶۷ قاضی مظفری

یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر
(قرآن کریم)



ملت مجاهد افغانستان

در آستانه پیروزی

مؤلف : مظفری تخاری

يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

(قرآن كريم)



ملت مجاهد افغانستان

در آستانه پیروزی

مؤلف : مظفری تخاری

بسم الله الرحمن الرحیم

اهداء :

به شهداء وطن مان افغانستان که شهادت را بر ذلت و اسارت ترجیح دادند.

مؤلف : مظفری تخاری

ناشر : انجمن فرهنگی جبهه ملی نجات افغانستان

تیراژ : ۲۵۰۰

سال طبع: اول جدی ۱۳۶۷ ه

فهرست عناوین :

چشم انداز به آینده :

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

الحمدلله رب العلمین والصلواة والسلام علی قائد المجاهدین محمد وآله واصحابه اجمعین.

امابعد مردم افغانستان مرحلهٔ نهایت حساس وسر نوشت ساز از حیات خویش راسپری مینمایند از یک جانب خون آشامی روس واشغال وطن وویرانی و نیرنگ های آن وضرورت مقاومت وقربانی سخاوت مندانه در برابر این دشمن مکار که مسئولیت اسلامی وملی وطبیعی ما میباشد از جانب دیگر عدم وحدت سیاسی ونظامی وایدیالوژیکی قیادت های جهاد ومقاومت که خود خواهی ها وجاه طلبی های بعضی عناصر نوبدولت رسیده درین اختلافات وبرخورد های داخلی مجاهدین نقش اساسی دارد.

ودست اندر کاران قوه های بیگانه که با استفاده از وضع متغیر ودگرگون کشورما وباامکانات مالی وسیاسی خویش میخواهند افکار وعقائد واشخاص خودرادر زیرپوشش جهاددرآینده نظام سیاسی واجتماعی وفرهنگی ما جازنند که باین ترتیب مداخلات قوه های بیگانه عامل مهم دیگری درقتال های داخلی مجاهدین بحساب میرود ضعف وحتی افلاس

بعضی کدرهای مهم قیادات جهاد ازدانش اسلامی وسیاسی لازم‌در این مرحله مهم و خطیر همه عوا ملی‌اند که مسئولیت اسلامی و ملی هر افغان مسلمان و شریف را بزرگتر میسازد تا در بیرون رفتن از این وضع و به خاطر افغانستان آزاد اسلامی و مذهبی و غیر قابل تجزیه و آرام و آباد نیروی خداداد خویش را استعمال نماید جبهه ملی‌نجات افغانستان به قیادت دانشمند بزرگ پر و پیسور صبغت‌الله‌المجددی با قدم‌های استوار و با درک معقول از تکوین اجتماعی ملت مسلمان افغا نستان و بملاحظه جریانات منطقوی و جهانی ارزو مند افغانستان مستقل و آزاد و مذهبی بر اساس اراده‌ملت قهرمان خویش میباشد و باید همه اقوام برادر افغانستان عادلانه و برادرانه درحکومت آیندۀ اسلامی و ملی کشور فرصت اشتراک پیدا نمایند و محبت و صمیمیت درمیان ساکنین افغانستان بیشتر و مستحکمتر گردد و مشکلات داخلی ما در کمترین زمان حل شود این برداشت مورد حمایه‌افکارعامۀ ملت مسلمان افغانستان و دولت‌های اسلامی و طرفدار آزادی وطن ما قرار دارد و حل نهائی قضیه انشاالله روی این برداشت و تصور واقعی خواهد بود.

رساله (ملت مجاهد افغانستان در آستانه پیروزی) مختصری از کتاب بزرگتری در باره افغانستان میباشد که در آینده بخواست